

## روایتی نوین از زیست «خوابگردها»

### تأسیس «فرقه ره‌جویه» در آیین‌ها اسناد

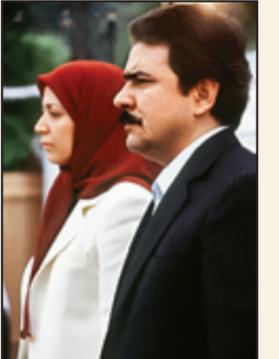
■ **شاهد توحیدی**



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به نیکی نشان می‌دهد که یک سازمان تروریستی تا کجا می‌تواند مرزهای خیانت و خودفروختگی را درنوردد و

با دشمنان قسم خورده تمامیت ارضی کشور خویش به همکاری و دادوستد بپردازد. سازمانی که نام «مجاهدین خلق ایران» بر خود نهاده، در پی شکست‌های متوالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فرار از ایران به دامان حزب بعث پناه برد و در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان از هرگونه همکاری با آن درغ نوزید. در «خوابگردها»، سخن از مذاکرات پنهان اعضای این سازمان با استخبارات رژیم صدام است که طی آن چگونگی همکاری موثرتر و مداوم‌تر علیه ایران‌امورد بررسی قرار گیرد. این کتاب از سوی صفاءالدین تیرانیان تدوین یافته و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تارنامی ناشر در توصیف اهمیت این مجموعه به کتابت پی آمده اشعارت برده است:

«سازمان موسوم به‌مجاهدین خلق ایران قدیمی‌ترین، شناخته‌شده‌ترین و البته خشن‌ترین اپوزیسیون جمهوری اسلامی است که حدود سه دهه علیه این نظام فعالیت کرده است.داستان تأسیس، فعالیت، ترورها و تغییر ایدئولوژی سازمان در دوران رژیم پهلوی، سرگذشت گروهی است که با اندیشه التقاطی تشکیل شد و به تدریج به دامن مارکسیسم – که آن را عالم مبارزه می‌دانست– فروافتاد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان مجاهدین بر اثر ضربات مکرری که از رژیم خورده بود، در حال احتضار به سر می‌برد، اما با پیروزی



مسعود رجوی

در مراسم مصاحب هسبر مهدی ابریشمی!

انقلاب و آزادی اعضای آن – که هیچ نقشی در حرکت انقلابی مردم ایران نداشتند- سازمان به سرعت شروع به جمع‌آوری اسلحه و عضوگیری نمود و منافقانه کوشید خود را به جریان اصیل انقلاب نزدیک سازد. نفوذ در ادارات و سازمان‌های دولتی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به نظام وارد آورد که مهم‌ترین آنها انفجار دفتر حزب جمهوری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نه مانند مجاهدین اولیه اسلحه‌گرایی بودند و نه مثل مجاهدین بعدی مارکسیست، بلکه در موضع التقاط ماندند و به کار خویش ادامه دادند. پس از انتخاب ابوالحسن علی‌صدر به ریاست جمهوری، مجاهدین به سمت او غلتیدند و پیاده‌نظام او شدند با طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس شورای اسلامی، مبارزه مسلحانه را علیه جمهوری اسلامی آغاز کردند و به عملیات‌های ترور خود، در سطحی وسیع دست زدند. بنی‌صدر پس از عزل به اتفاق مسعود رجوی، ایران را به مقصد پاریس ترک گفتند و شورای مقاومت را تشکیل دادند. رجوی در پاریس با طارق عزیزی دیدار کرد که اعتراض اعضای شورا را در پی داشت. به تدریج سایر اعضای شورا نیز از مجاهدین جدا شدند و فرقه رجویه تأسیس شد. این فرقه خود را در اختیار دولت عراق قرار داد و در سطوح مختلف اطلاعاتی و نظامی با رژیم بعثی همکاری نمود، به‌طوری‌که با رژیم بعثی اسستی که ماهیت و عملکرد مجموعه پیش‌رو شامل متن پنج گفت‌وگو و مذاکره رهبران سازمان با نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و اسناد و تصاویر کم‌نظیر تعاملات و همکاری‌های سازمان با رژیم بعثی است که ماهیت و همکاری‌های سازمان را روشن می‌سازد. مجموعه این اسناد، برای نخستین بار است که به این انسجام و همراه با توضیحات لازم نشر می‌یابد. این اثر می‌تواند تصویری نسبتاً شفاف، از یکی از شاخص‌ترین جریان‌ات مدعی مبارزه با جمهوری اسلامی را به دست دهد…»

## عاریخ

تاریخ: ۲۰۰۶۰۸۵۲۳



### اعترافات برخی از سران کشورهای غربی نسبت به دشمنی کشورهایشان با ایران و ایرانی

# حقیقت انکارناشدنی: کار، واقعاً کار انگلیس است!

■ **اوشه میرمر عشی**

*یکی از کار کردهای مهم «تاریخ»، تقویت حافظه جمعی ملت‌ها برای عبرت‌گیری و تجربه آموزی از وقایع مختلفی است که در گذشته بر همان جامعه رفته‌است. همچنین الگوگیری و دشمن‌شناسی نیز از جمله دستاوردهای مهم مرور تاریخ برای مردم هر کشوری به‌شمار می‌رود. ماجرای استعمار و دشمنی دو کشور انگلیس و امریکا با مردم ایران در دو قرن اخیر، واقعیتی غیرقابل انکار است. در عین حال اگر این واقعیت در طول سال‌های گذشته بیان و تکرار نمی‌شد، ممکن بود که امروز حافظه جمعی ایرانیان، این دشمنی‌ها را به فراموشی سپرده و دوباره باز بچه زیاده‌خواهان غربی‌ها کرد. پس لازم است که با بارها و بارها گفتن از سیاست‌ها، عملکردها و خیانت‌ها و جنایت‌های انگلیس و امریکا در ایران، حافظه جمعی ایرانیان را نسبت به روش‌های نفوذ و فریب دشمن برای سلطه بر منابع کشور مصون کرد. گرچه می‌توان گفت این جنایت‌ها و دشمنی‌ها آنقدر زیاد و وسیع بوده که خود سیاستمداران معاصر این دو کشور هم‌قادر به کتمان آن نبوده‌و در کتاب‌هایشان به آن اعتراف کرده‌اند. در مقال پی آمده، بخشی از این اعترافات تاریخی را مسورد باز خوانی و بررسی قرار داده‌ام. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.*

■ ■ ■

■ **جک استراودر شهر زدو بواقی قضا**

کشور استعمارگر انگلیس از مرحله نفوذ تا امرحله سلطه کامل بر دستگاه حاکمه ایران (یعنی از اوایل دوره قاجار تا دوره رضاشاه)، جنایات متعددی را علیه مردم ایران روا داشته است. این جنایات و چپاولگری، گرچه با همراهی عده‌ای از درباریان خائن و جماعتی از منورالفکران غربگرا انجام‌شد، اما نقش استعمارگران بریتانیایی آنقدر در آن برترنگ است که نویسنده‌گان پدیدآورندگان آثار پژوهشی و هنری تا سال‌های سال می‌توانند درباره آن به تولید محتوا بپردازند. جالب است که این چپاولگری‌ها و جنایت‌ها چنان عیان است که گاه مسئولان بلندیایگان سیاسی کشور انگلیس نیز مجبور شده‌اند تا به آن اعتراف کنند. یکی از این افراد، «جک استراودر» وزیر امور خارجه انگلستان است. جک استراودر ۲۰۱۵ میلادی (مهر ۱۳۹۴ ش)، همراه هسبر رجوی و دوستش، سفری تفریحی به ایران می‌کند. در جریان این سفر و هنگام گذر از استان یزد و یازدید از درخت

## وندی شرمن در باره قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران به رغم همه دشمنی‌های غرب علیه کشورمان

**اعتراف می‌کند: «حکومت ایران شخصیتی دو بخشی دارد. از یک جهت رهبر انقلاب او از جهت دیگر دولت منتخب بر یکی از باثبات‌ترین جوامع خاورمیانه حکومت می‌کنند که ثباتش رشک بر انگیز است. طبقه متوسط بزرگ و پاسوادی دارد. طبقه نخبه حکومت ایران به مدت یک نسل است که حکومت می‌کند و ایران سال‌هاست که قدرتش را در خاورمیانه گسترانده است…»**

ایران در جریان جنگ جهانی دوم مجبور می‌شود به نقش متفقین در این فرآیند اشاره کند: «امروزه حافظه جمعی بریتانیایی‌ها یاری نمی‌کند که ما و شوروی به مدت پنج سال ایران را اداره کردیم [۱]. اما حافظه جمعی ایرانی‌ها روشن و حی و حاضر است. استراوعد از برگشت از این سفر به کشورش، کتابی می‌نویسد به عنوان «کار، کار انگلیسی‌هاست» و در آن با اشاره به آن نامه برای هموطنانش علت عصبانیت و ناراحتی مردم ایران از انگلستان و دولت‌مدانش را شرح می‌دهد.

■ **حافظه جمعی ما و حافظه جمعی انگلیسی‌ها**

از آنجا که استراوهریاتی چندصدها از استعمارگری و فریبکاری را از اجداد سیاستمدار کشورش به ارث برده در کتابش گاهی دروغ می‌گوید، گاهی تاریخ را تحریف می‌کند و گاهی به عمد بخش‌های مهمی از تاریخ روابط ایران و انگلستان را اصلاً بیان نمی‌کند؛ اما اعترافات مهم و جالبی نیز دارد. مثلاً او درباره توافق انگلستان و روسیه تزاری برای تقسیم کردن ایران میان خود در سال ۱۲۸۶ ش می‌نویسد: «بعد از دو سال رازینی، بریتانیا و روسیه در ۱۲۱گوست ۱۹۰۷ م (۱۲۸۶ ش) به توافق رسیدند. توافقنامه مذکور بر بود از حرف‌های دلگرم کننده. در واقع هر ایرانی ساده‌لوحی البته اگر وجود داشت) احتمالاً باور می‌کرد که تنها انگیزه این دو قدرت اروپایی از توافقنامه، بهبود وضعیت و رضایت مردم ایران است…»

و درباره نقش آفرینی انگلستان در به انحراف کشاندن جنبش عدالتخانه خواهی علما در دوران مشروطه اعتراف دارد: «ادعای جوانان سیسیجی یزد که یادمان نرفته چطور انقلاب مشروطه ایران را به‌انحراف کشیدید و از دل آن یک دیکتاتوری گوش به فرمان خود درآوردید تا حدود زیادی درست بود…»

همچنین درباره قضیه اشغال ایران در جریان جنگ جهانی اول نیز به همین صورت معترف می‌شود: «ایران رسماً در جنگ اجهانی اول ای‌طرف بود، اما این بدان معنا نبود که می‌تواند خودش را از جنگ کنار بکشد. ایران که نیروی نظامی‌اش به اندازه کافی بزرگ و مجهز نبود که بتواند با هیچ کدام از طرفین متخاصم بچنگد، تقریباً تمامش به میدان جنگ تبدیل شد…» البته در این بخش، استراوچندان صلاح نمی‌داند که توضیحی دربراره نقش کشورش در غارت غلات قابل درکی دربراره کلک زند‌های بریتانیا داشتند. بیماری‌های همه‌گیر چون: «ژکام فرنگی»، «تیفوس» و «هپا» داشته باشد. گرچه همین استراودر بخش اشغال



وندی شرمن

### جک استراودر باره نحوه غارت نفت ایران از سوی انگلستان و سوءاستفاده از کارگران ایرانی

**در بهره‌برداری از چاه‌های نفت کشورمان اعتراف می‌کند: «از حدود ۵۵ هزار ایرانی که برای شرکت نفت ایران و انگلیس کار می‌کردند، ۱۶هزار و ۵۰۰ نفرشان کارگران ساده بودند که نه از ساختار حقوق و دستمزد شرکت بهره‌می‌بردند و نه از امکانات رفاهی‌اش. آنها ناچار بودند در محیطی کثیف، و وحشتناک و زاغه‌نشینی بدون آب لوله‌کشی و برق زندگی کنند. البته بسیاری از کارکنان استخدامی ایرانی هم چنین وضعیتی داشتند…»**

فروخته‌و او در جنگ ایران و عراق، از تانک‌های خود ایران علیه او استفاده کرده بود…»<sup>(۱)</sup> البته جناب استراوسعی می‌کند تا در کتابش به سایر موارد حمایت‌های تسلیحاتی کشورش از صدام اشاره مستقیم و حتی غیرمستقیم نداشته باشد. البته این چندان مهم نیست؛ چه آنکه سیاستمداران کشور رقیب، یعنی امریکا فراوان به این حمایت‌ها اشاره کرده‌اند. مثلاً «باید کرن» دیپلمات سابق امریکا در بغداد، در کتاب خاطراتش بیان می‌کند: «دولت انگلیس تنها چند هفته بعد از آنکه عراق از سلاح شیمیایی در حلچه استفاده کرد، با اعزام یک وزیر کابینه انگلیس به بغداد، اعتبارات بازگانی داده شده به دولت عراق را دو برابر افزایش داد…»<sup>(۲)</sup>

■ **داستان ما و امریکا**

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش، عملاً دست استعمار انگلیس تا حدود زیادی از ایران کوتاه شد، اما به جای آن کشور استکباری و استعمارگر امریکا، غارت و چپاول و جنایت علیه ایران و ایرانی را آغاز کرد؛ به همین دلیل هم بعد از سرنگونی حکومت محمی ایرانی‌ها روشن و حی و حاضر است. امریکا واقع از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، امریکا به عنوان حلی بزرگ شاه‌وزیم پهلوی، توطئه‌های خود برای انحراف و به شکست کشاندن انقلاب اسلامی، از طریق حمایت از ضدانقلاب شروع کرد، اما پس از تسخیر لانه جاسوسی امریکا گزینه حمله نظامی و سپس کودتا، راهکار اصلی امریکا برای سرنگونی نظام نوپای ایران شد. راهکاری که با طوفان شن طلس و درهم کوبیده شدن بلگردهای نظامیان امریکایی و سپس خنثی شدن توطئه کودتاها از دور خارج شد.

پس از آن اما حمایت از دیکتاتوری و حشی به نام «صدام حسین» برای حمله به ایران و حمایت همه جانبه از آن سیاست اصلی حکومت امریکا برای سرنگونی ایران اسلامی شد؛ سیاستی که با مقابله جلفه مسئولان، مردم و زرمندگان اسلام‌با شکست مواجه شد و البته که پس از آن نیز دشمنی امریکا با ایران به نوعی دیگر ادامه پیدا کرد.

■ **تصور ایرانی‌ها درباره ما درست است!**

طبیعتاً این حجم از دشمنی و شرارت امریکا علیه مردم ایران آن قدر زیاد است که حتی سیاستمداران امریکایی قادر به کتمان آن نباشند. به همین دلیل هم آنها گاه در کتاب‌هایشان، اعترافات بسیار جالبی درباره جنایت‌ها و دشمنی‌های خود علیه مردم ایران داشته‌اند. مثلاً «وندی شرمن – مسئول میز مذاکرات ۵۰۱ در موضوع برجام- در کتاب خود، اعترافات مهمی درباره علت ناراحتی مردم ایران از ایالات متحده امریکا بیان می‌دارد. وی در کتابش درباره نگاه دانشجویان پیرو خط امام (ره) و مردم ایران نسبت به امریکایی‌ها در سال ۵۸ می‌نویسد: «شغال‌کنندگان سفارت به حمایت طولانی و قوی از آمریکا از شاه ایران معترض بودند. شاه تلاش کرده بود تا اقتصاد ایران را مدرن و جامعه‌اش را اسکولار کند و با مشقت آهنبین حکومت می‌کرد. در نگاه این دانشجویان، امریکا متحده ایران نبوده، بلکه قدرتی امپریالیستی بود…»

وی همچنین درباره قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر و به رغم همه دشمنی‌های غرب علیه ایران در طول چند دهه گذشته اعتراف می‌کند: «حکومت ایران شخصیتی دو بخشی دارد. از یک جهت رهبر انقلاب او از جهت دیگر ا دولت منتخب بر یکی از باثبات‌ترین جوامع خاورمیانه حکومت می‌کند که ثباتش رشک بر انگیز است، طبقه متوسط بزرگ و پاسوادی دارد. طبقه نخبه حکومت ایران به مدت یک نسل است که حکومت می‌کند و جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست که قدرتش را در خاورمیانه گسترانده است…»

نامبرده درباره تاووم دشمنی کشورش با ایران در چند دهه اخیر می‌نویسد: «رهبیران ایران خود را در محاصره غرب ضداسلامی با ریاست امریکا می‌دانند که تمام تلاش‌ش سرنگونی نظام اسلامی است. واقعیت این است که در مواقعی سیاست داخلی ما نشان می‌دهد که تصور آنها درست است، ولی در اصل ما با اقدامات آنها در مقابل اهداف و متحدان ما مشکل داریم… از نظر ایرانی‌ها، امریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها در رفتار آمرانه با کشورهای خاورمیانه، سابقه طولانی دارند. به نظر ایرانی‌ها ما به خاطر نفت

## روزنامه جوان | شماره ۶۸۹۷

ارزان و منافع مادی‌مان علیه رهبران خاورمیانه دست به کودتا زدیم و دولت‌های دست‌نشانده ساختیم و در کشورهای آنها هرج و مرج ایجاد کردیم…»<sup>(۳)</sup>

■ **تحریم می‌کنیم، پس هستیم!**

یکی از شرارت‌ها و جنایت‌های امریکا علیه مردم ایران، اعمال تحریم‌های ظالمانه این کشور علیه نظام جمهوری اسلامی است. تحریم‌هایی که به‌بفته تسخیر لانه جاسوسی امریکا از سوی دانشجویان پیرو خط امام (ره) آغاز و بدون وقفه و طی چند دهه به آن افزوده شد و تا امروز ادامه پیدا کرده است. در واقع با آزاد شدن گروگان‌های امریکایی در ۳۰ دی ۱۳۵۹ ش، دولت‌های اروپایی از ادامه تحریم‌های ایران دست کشیدند، اما امریکا بر خلاف تعهدات خود در بیانیه الجزایر مبنی بر لغو تحریم‌های ایران و مسئله عدم مداخله در امور داخلی کشورمان با مسدود کردن درایی‌ها و امتناع از تحویل تجهیزات نظامی خریداری شده ایران همچنان به اعمال تحریم در مقیاسی گسترده‌تر ادامه داد، اما بعد از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی و پس از اتمام جنگ متحدان کویت با صدام، امریکا سلسله‌ای جدید از تحریم‌ها را علیه نظام جمهوری اسلامی با هدف مهار ایران و جلوگیری از قدرت‌گیری و توسعه اقتدار آن در منطقه غرب آسیا در دستور کار خود قرار داد.<sup>(۴)</sup> البته امریکایی‌ها و به تبعیت از آنها کشورهای اروپایی از اوایل دهه ۸۰ شمسی نیز مجموعه‌ای از تحریم‌های هسته‌ای را باهدف توقف یا حداقل مهار برنامه هسته‌ای ایران آغاز کردند و سال به سال بر دامنه آن افزودند. این تحریم‌های جدید که بعدها تحریم‌های حقوق بشری هم به آن افزوده شد، تنها با هدف متوقف کردن رشد و پیشرفت ایران اسلامی اعمال می‌شد. حقیقت مهمی که برخی از سیاستمداران امریکایی به آن اعتراف کرده‌اند به طوری که «وود راد» از روزنامه‌نگاران حامی دولت اوپاما در کتابی که در تمجید از سیاست‌های خارجی آن دولت به نگارش درآورده است، به این نکته اعتراف و بیان می‌کند که مدیر سیا در یک جلسه مطلوبه‌ای توضیح داده بود که عملیات‌های مخفی برای توقف یا مهار برنامه هسته‌ای ایران در جریان است. این موضوع بعد از توقف حملات تروریستی، نخستین اولویت دولت‌ها در امریکا است.<sup>(۵)</sup> جالب است که این اعتراف، یکی از نشانه‌های استیصال غرب و به ویژه امریکا در برابر ایران اسلامی نیز است، زیرا تشدید این تحریم‌ها به جهانبان نشان می‌دهد که امریکا تنها برای اخراج نشدن از صحنه قدرت جهانی به اعمال تحریم‌ها اقدام می‌کند.

■ **تنها سلاح باقیمانده: حمایت از هرج و مرج و اغتشاش**

تاریخ به مردم ایران اوخته که ایستادگی مقابل زور گویان و مستکبران و مقاومت هوشمندانه و تلاش برای سازندگی وطن، یک سلاح کارآمد برای خنثی کردن تحریم‌هاست. به همین دلیل حتی امریکایی‌ها نیز فهمیده‌اند که تحریم‌ها را پس لازم برای مهار ایران رو به پیشرفت را ندارد، پس امید خود را به تنها سلاح‌شان، یعنی ایجاد آشوب و حمایت از هرج و مرج گران داخلی معطوف کرده‌اند. جالب است که امریکایی‌ها اعترافات جالبی نیز در این زمینه دارند. مثلاً هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا در بخشی از کتاب خاطراتش به مسئله اغتشاشات بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران در سال ۱۳۸۸ ش، اشاره کرده و می‌نویسد: «تیم من در وزارت خارجه، در پشت صحنه، تماس‌های مستمری با باغلان در داخل ایران برقرار می‌کرد و با مداخله‌ای فوری توانست از توقف تویتر به خاطر تعمیرات جلوگیری کند. اگر تویتر تعطیل می‌شد، نطاهرکنندگان یکی از ابزارهای مهم‌شان برای ارتباط را از دست می‌دادند…»

وی همچنین ضمن توضیحی مبسوط درباره اعمال تحریم‌ها در بخشی دیگری از کتاب خود درباره حمایت‌های پشت‌برده وزارت تحت امرش از حرکت‌های اغتشاشگرانه این چنین می‌نویسد: «دولت باراک حسین اوباما رئیس‌جمهوری امریکا در سال‌های بعد از اغتشاشات انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران، با صرف دهها میلیون دلار به آموزش بیش از ۵هزار نفر از مخالفان ایران در سراسر دنیا پرداخت…»

■ **کلام آخر**

تولید انبوه مطلب درباره دخالت‌ها، چپاول منابع و خیانت و جنایت‌های کشورهای انگلیس و امریکا در دو قرن اخیر علیه ملت ایران از سوی پژوهشگران نویسندگان حوزه تاریخ و علوم سیاسی موجب شده است حتی دشمنان ایران اسلامی نتوانند متکر آن شوند. اقدامی که می‌توان با تداوم آن همچنان چران روشنگری و عبرت‌گیری را در نسل‌های بعد روشن نگه داشت و کشور را در برابر توطئه‌های دشمنان معون کرد.

**منابع:**

- استراو، جک، «کار، کار انگلیسی‌هاست» - درک بی‌اعتمادی ایران نسبت به انگلیس - ترجمه رضاشاکندری آذرآشتارشات خوب، چاپ اول ۱۳۹۸ ش، صفحات ۹۰، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۳۵، ۳۴۸
- صفری، محسن، *ها، اعتراف می‌کنیم*، انتشارات سوره مهر، چاپ دوم ۱۳۷۳ ش، ص ۴۵
- شرمن، وندی، «بدون هراس»، ترجمه دکتر محمد جمشیدی و حافظ رستمی، انتشارات سروش، چاپ سوم ۱۳۹۸ ش، صفحات ۸۱، ۸۴، ۸۷ و ۱۰۸
- دانشنامه جهان اسلام، جلد ۶، نشر نیاد، دایرةالمعارف اسلامی، مصص ۶۵۱ و ۶۵۲
- ولاد، وود، *هیردعای اوپاما*، ترجمه نیلوفر قدیری، نشر قاره، چاپ اول ۱۳۹۲ ش، ص ۸۲
- رودهام کلینتون، هیلاری، «انتخاب‌های سخت»، ترجمه امیرقادر، انتشارات میلکان، چاپ اول ۱۳۹۲ ش، صفحات ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۶۸ و ۳۹۳